

## ماهیت قرارداد استصناع

### علیرضا سلیمی

( استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات )

### محمدامیر رضوانی

( دانش‌آموخته حوزه علمیه قم )

### چکیده:

«قرارداد استصناع»، ابزاری است برای برطرف کردن نیاز مردم در زمینه‌ی ساخت کالا. فرد سفارش دهنده، کالایی که مدنظر و مورد احتیاجش است را به صاحب صنعت، سفارش می‌دهد و سازنده، با وسایل و امکانات خود، آن را تهیه می‌کند.

قرارداد استصناع، اختصاص به زمان حاضر ندارد و دارای سابقه‌ای طولانی است؛ لکن در زمانهای گذشته، مورد استصناع محدود در وسایل شخصی و تعداد اندکی مانند کیف، کفش، کلاه، درب، شمشیر و غیره بود؛ در حالی که امروزه برخی از نیازهای اساسی جامعه، همچون ساخت کارخانجات، هواپیما، کشتی و... توسط این قرارداد، برطرف می‌شود. اما سؤال این است که، آیا چنین قراردادی مورد تأیید اسلام قرار گرفته است؟ و در صورت مثبت بودن جواب، شرایط، احکام و ضوابط آن چیست؟

در این پژوهش، راهکارهایی را که فقهای امامیه و اهل سنت برای تصحیح این قرارداد، ارائه داده‌اند را بیان می‌کنیم. فقهای امامیه، غالباً استصناع را عقد می‌دانند؛ اما در این که، مصداقی از عقود معین معهود است یا عقدی مستقل، بین آنها اختلاف نظر وجود دارد. در صورت نخست، انطباق این قرارداد بر عقود مانند بیع سلم و اجاره مطرح است و گاه این قرارداد به عنوان ترکیب چند عقد مطرح می‌شود و گاهی نیز، استصناع به عنوان عقد پذیرفته نمی‌شود و فقهاء آن را در قالب «جعاله»، «امر به ساخت بر وجه ضمان» و یا «مواعده صرف» می‌پذیرند؛ که تمامی اقوال غیر از عقد مستقل بودن استصناع، دارای اشکال می‌باشند. در میان فقهای اهل سنت، نظر غالب این است که استصناع، مصداقی از بیع سلم یا عقد مستقل می‌باشد. بر پایه‌ی هر کدام از نظرات فوق، احکام و شرایط استصناع نیز تغییر می‌کند.

**واژگان کلیدی:** استصناع، قرارداد ساخت، مستصنع، صانع



### مقدمه

تبیین موضوع

فقه اسلامی، متکفل بیان احکام و دستورات اسلام در زمینه های فردی و اجتماعی زندگی بشر است؛ لذا دستورات و ارشادات دین در تمامی زمینه ها و از آن جمله قوانین و مقررات حاکم بر تعامل افراد جامعه با یکدیگر را، باید در این شاخه از علوم اسلامی پیگیری کرد.

بخش قابل توجهی از روابط اجتماعی را معاملات و دادوستدهایی در بر میگیرد که میان افراد جامعه، از گروه های مختلف صورت می پذیرد و هر فرد برای برآورده ساختن نیازهای خود به افراد دیگر با تخصص ها و امکانات متفاوت مراجعه می کند. یکی از این نیازها، تهیه و تولید برخی کالاها، ابزار و لوازمی است که تنها صنعتگران و صاحبان حرف از عهده ساخت آنها بر می آیند.

موجودیت قرارداد استصناع برای تأمین این نیاز می باشد. قرارداد استصناع آن است که شخصی نزد صنعتگر می رود و سفارش ساخت کالایی را با ویژگی ها و ملاک های خاص به وی می دهد و صنعتگر نیز متعهد می شود آن کالا را در زمان معین ساخته و به سفارش دهنده تحویل دهد. امروزه، اهمیت و کارکرد استصناع در جوامع بشری بر کسی پوشیده نیست؛ درست است که در گذشته، موضوع استصناع تنها در مورد ساخت کفش، لباس، تخت و... آن هم در تعداد محدودی بوده است، لیکن در دنیای معاصر، استصناع ابعاد جدیدی را به خود گرفته است و در برخی از زمینه ها، وجود چنین قراردادی لازم، بلکه ضروری می نماید؛ ولی مطلبی که باعث بحث و گفتگو میان علماء گردیده، این موضوع است که آن چه به عنوان استصناع در عرف جامعه اجرا می شود، ظاهراً با برخی قواعد کلی حاکم بر معاملات سازگار نیست. مثلاً در این قرارداد کالای مورد معامله در زمان برقراری عقد وجود ندارد و معمولاً وجه قرارداد به صورت کامل پرداخت نمی شود، همین موضوع باعث شده تا برخی علماء مشروعیت استصناع را نفی کنند و برخی دیگر توجیهات و راه حل هایی ارائه دهند تا قرارداد استصناع در چارچوب عقود شرعی و قوانین کلی معاملات قرار گیرد.

## تاریخچه

عقد استصناع، عقد مستحدث و جدیدی نیست؛ بلکه از گذشته‌های دور این قرارداد در میان عرف بازار مطرح بوده و بعضی از فقهاء، برخی از احکام فقهی آن را نیز مطرح کرده‌اند. به عنوان نمونه در اینجا دیدگاه چند تن از متقدمین شیعه را بیان می‌کنیم:

۱. دیدگاه شیخ طوسی (ره)

شیخ الطائفة در دو کتاب الخلاف و المبسوط قائل به بطلان استصناع شده است و چنین معامله‌ای را جایز نمی‌داند.

شیخ در الخلاف می‌گوید: «مسأله ۳۳: استصناع الخلاف، و النعال، و الاوانی من الخشب و الصُّفُر و الرِّصَاص و الحديد، لایجوز.»

«سفرارش ساخت چکمه، کفش و ظرف‌هایی که از چوب، برنج، سرب و آهن ساخته می‌شود جایز نیست.» (طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن، الخلاف، ج ۳، ص ۲۱۵).

همچنین در المبسوط آمده است: «و استصناع الخف و النعل و الاوانی من خشب اوصفر و حديد و اوصاص لایجوز فان فعل لم یصح العقد، و کان بالخیار ان شاء سلمه و ان شاء منعه. فان سلمه کان المستصنع بالخیار ان شاء رده و ان شاء قبله.»

«سفرارش ساخت چکمه، کفش و ظرف‌هایی که از چوب، یا برنج، یا آهن و یا سرب ساخته می‌شود روا نیست و اگر کسی چنین سفارشی بدهد، قراردادش صحیح نخواهد بود و صاحب صنعت، اختیار دارد که آن کالا را تحویل دهد و یا ندهد و اگر آن را تحویل داد، سفارش دهنده، مخیر است که آن را برگرداند و یا بپذیرد.» (طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن، المبسوط، ج ۲، ص ۱۹۴).

۲. دیدگاه ابن حمزه

محمدبن علی بن حمزه طوسی از فقهای قرن ششم هجری قمری می‌باشد. وی معتقد است که این عقد به عنوان عقدی جایز و نه لازم برای دو طرف است.

ابن حمزه در کتاب فقهی معروف خود «الوسیله» می‌نویسد: «مَنْ استصنع شیئاً قبل و فعل الصانع کان مخیراً بین التسليم و المنع و المستصنع بین القبول و الرد.»

«کسی که سفارش ساخت چیزی را بدهد و صانع آن را بسازد، سازنده مخیر است که کالای ساخته شده را تسلیم مستصنع کند یا تحویل ندهد، همچنین مستصنع مخیر بین قبول و رد کالای ساخته شده می‌باشد.» (ابن حمزه، محمدبن علی، الوسیله الی نیل الفضیله، ص ۲۵۷)

۲. دیدگاه ابن سعید

یحیی بن سعید حلی از فقهای قرن هفتم هجری قمری می‌باشد. وی نیز، استصناع را عقدی جایز می‌داند.

ابن سعید در «الجامع للشرائع» می‌گوید: «استصناع شی کالخف و فعله الصانع (خ ل: و فعل الصانع) غیر لازم المستصنع (خ ل: للمستصنع) و له رده.» (حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، ص ۲۵۹)

لکن فقهای شیعه بر خلاف علماء اهل سنت مانند شافعی در الام (الشافعی، ابی عبدالله محمد بن ادریس، کتاب الام، ج ۳) و سرخسی در المبسوط (سرخسی، شمس الدین ابوبکر محمد بن ابی سهل، المبسوط، ج ۱۲، ص ۱۳۸). به صورت مبسوط و گسترده در این زمینه وارد بحث نشده‌اند. اما در دوران معاصر این بحث نظر علماء شیعه را بیشتر به سمت خود معطوف کرده است و باعث پدید آمدن مقالات و پژوهشهایی در رابطه با استصناع گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. مقاله «کلمه فی عقد الاستصناع» اثر آیت الله شیخ محمد مؤمن قمی
۲. مقاله «الاستصناع» اثر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی
۳. مقاله «استقلال یا عدم استقلال عقد استصناع» اثر محمدتقی نظرپور
۴. مقاله «الاستصناع» اثر آیت الله محمدعلی تسخیری
۵. مقاله «صحت یا فساد عقد استصناع» اثر محمدتقی نظرپور و مرتضی محمدی
۶. مقاله «احکام و آثار فقهی - حقوقی عقد استصناع» اثر سیدعباس موسویان

#### تعریف استصناع

استصناع در لغت از ماده «صَنَعَ»، بر وزن استفعال (مصدر استصنع الشیء) و به معنای طلب ساخت است.

ابن منظور در «لسان العرب» ذیل ماده صنع می‌گوید: «و استصنعَ الشیء: دعا الی صنعه: به ساخت شیء فراخواند.» (ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۰۹).

#### استصناع در اصطلاح فقهی

در بین محققین و علماء شیعه در تعریف استصناع اختلافاتی دیده می‌شود؛ برخی استصناع را توافق با صاحبان صنایع برای ساختن شیء معین می‌دانند که سازنده هم تأمین‌کننده مواد اولیه است و هم وظیفه ساختن شیء را بر عهده دارد. و به این مطلب اشاره دارند که اگر مواد اولیه از طرف سفارش‌دهنده تأمین گردد، این مصداق اجاره است و اگر آن چه که سفارش‌دهنده

تقاضا دارد آماده باشد و نیاز به درست کردن آن نباشد، این همان خرید و فروش است. (هاشمی شاهرود، سید محمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۳۴۵).

برخی دیگر از علماء، استصناع را عقدی می‌دانند که کسی به نزد صنعتگر بیاید و از او بخواهد که تعدادی از کالاهایی را که می‌سازد، به ملکیت او درآورد. در این حال، قراردادی میان این دو به امضاء می‌رسد، که صاحب صنعت، تعداد مورد توافق را برای وی بسازد و قیمت آن را دریافت کند. (مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیدة، ص ۱۹۹).

همانطور که مشاهده می‌شود بعضی استصناع را «توافق با صاحبان صنایع برای ساختن شیء معین» دانسته‌اند (آیت‌الله شاهرودی) مانند این که فردی از آهنگر درخواست کند یک محافظ پنجره با ابعاد و ویژگی‌های معین برای او بسازد، بزرگانی نیز به جای استصناع تعبیر به عقد استصناع نموده‌اند (آیت‌الله مؤمن).

در مقابل این عمل، یک مبلغ معلوم به عنوان ثمن آن جنس ساخته شده به صانع پرداخت می‌گردد که نحوه‌ی تحویل این مبلغ متفاوت است برخی قائل به این می‌باشند که تمام مبلغ باید در ابتدا پرداخت گردد (فقهای که استصناع را بیع سلم می‌دانند)؛ بعضی دیگر (فقهای که استصناع را سلم نمی‌دانند) بر این باورند که این ثمن طبق توافقی که صانع و مستصنع با یکدیگر به عمل می‌آورند می‌تواند پرداخت شود به عنوان مثال بخشی از ثمن، در همان لحظه سفارش و بخش دیگر در حین ساخت و قسمت پایانی، در هنگام تحویل کالا و یا به هر طریق دیگری که طرفین توافق نمایند، می‌تواند پرداخت شود.

به نظر می‌رسد بدون اشاره به موارد مورد اختلاف، قرارداد استصناع را می‌توان این گونه تشریح کرد:

«استصناع قرارداد سفارش ساختی می‌باشد که شخصی حقیقی یا حقوقی (مستصنع) نزد صنعتگری (صانع) می‌آید و از او تقاضا می‌کند تعدادی کالا که در حال حاضر وجود ندارد را برای او درست کند و در زمان معینی به او تحویل دهد و در مقابل فرد سفارش دهنده نیز متعهد به پرداخت هزینه ساخت آن کالاها می‌گردد؛ صنعتگر نیز اگر آن سفارش را بپذیرد و بین آن‌ها قراردادی منعقد گردد این قرارداد به «استصناع» شهرت دارد.»

بی‌شک تعریف مذکور، نیاز به تطویل بیشتری دارد که از آنجا که ما به ازایی ندارد از آن صرف نظر می‌کنیم.

### ویژگی های استصناع

هر عقد و معامله‌ای ویژگی‌ها و خصوصیات مخصوص به خود را داراست، و از این جهت از سایر عقود و قراردادها متمایز می‌گردد و به عنوان قرارداد معین و مشخصی شناخته می‌شود. این مسأله در مورد قرارداد استصناع نیز صادق است و این معامله نیز دارای ویژگی‌ها و خصوصیاتی است که آن را از سایر قراردادها جدا کرده است. اما نکته‌ای که این تمایز را در استصناع برجسته می‌کند آن است که برخی از ویژگی‌هایی که در این قرارداد وجود دارد در بدو نظر با روح کلی حاکم بر عقود و احکام کلی معاملات سنخیت ندارد و لذا شبهاتی را از لحاظ مشروعیت این قرارداد، ایجاد کرده و باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلفی در مورد ماهیت این قرارداد در نزد علمای اهل سنت و فقهای شیعه از دیرباز تاکنون شده است.

توضیح مسأله آن که سه ویژگی در قرارداد استصناع وجود دارد که آن را از سایر قراردادها متمایز می‌کند:

۱- موجود نبودن کالای موردنظر

در این قرارداد به طور معمول، کالای موردنظر موجود نیست و هدف از عقد این قرارداد با صانع، تهیه و تولید کالای مدنظر است. صانع در این معامله متعهد می‌شود در مدت زمان معینی کالای سفارش داده شده را درست کند و به مستصنع ارائه دهد و این برخلاف عقود متعارف است چرا که در عقود متعارف نوعاً (بغیر از برخی عقود مثل سلم) کالا موجود است و حال آنکه با توجه به ارتکازات عرفی که در مورد استصناع وجود دارد گویا، موجود نبودن کالای موردنظر امری روشن و قطعی است زیرا اگر کالا بالفعل وجود داشته باشد و معامله روی آن صورت بگیرد، این همان بیع و شراء مرسوم است و چیزی جدای از آن‌ها نمی‌باشد. آیت الله سیدمحمود هاشمی در این زمینه می‌نویسد: «اگر چیزی را که پیشنهاددهنده خواهان آن است، بالفعل ساخته و آماده شده نزد سازنده موجود است، در این صورت توافق مزبور نوعی خرید و فروش خواهد بود.» (شاهرودی، سیدمحمود، مجله فقه اهل بیت؛ شماره ۱۹-۲۰، ص ۳۴۵).

برخی خواسته‌اند امکان موجود بودن کالا در قرارداد استصناع را این گونه تصویر کنند که، اگر ما شیء‌ی داشته باشیم که جزئی از آن ساخته شده است و برای تکمیل آن با صانع وارد قرارداد شویم این معامله در قالب عقد استصناع قرار می‌گیرد؛ مانند تابلو فرشی که ساخت آن تمام نشده ولی مستصنع آن را خریداری و شرط می‌کند، صانع ساخت آن را به اتمام برساند.

در مقابل، دو ایراد به این تصویر وارد شده است:

اول: تصویر ارائه شده برخلاف ارتکاز عرفی در موارد استصناع می باشد زیرا اگر محصول موردنظر، که به صورت نیمه تمام می باشد را، صانع تکمیل نکند لازمه اش این است که، مستصنع مالک ناقص گردد و نهایتاً به علت تخلف شرط، دارای خیار فسخ باشد در حالی که استصناع در ارتکاز عرفی این گونه نیست زیرا غرض مستصنع تنها و تنها مصنوع نهائی است و باقی مانده‌ی شیء که قرار است تکمیل گردد به عنوان قید و جزء مبیع می باشد لذا اگر محصول تکمیل نگردد معامله قهراً منفسخ می شود بدون اینکه نیازی به فسخ از طرف مستصنع داشته باشد، بنابراین تصویر مزبور از باب استصناع اجنبی است.

دوم: لازمه‌ی این تصویر آن است که اگر شیء موردنظر قبل از اتمام ساخت، بدون افراط و تفریط تلف شود، ضرر بر مستصنع وارد می آید و خسارتی متوجه صانع نمی گردد چون او مانند اجیری است که عین در دست او امانت است؛ و این نیز برخلاف ارتکاز عرفی در استصناع است زیرا مادامی که صانع، شیء موردنظر مستصنع را به صورت کامل درست نکرده است، حقی بر علیه مستصنع ندارد و تلف از مال خود اوست نه مستصنع. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سیدمحمود، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (ع)، ج ۱۱، ص ۳۸۲-۳۸۱).

۲- تهیه مواد اولیه توسط سازنده

در استصناع نوعاً تهیه مواد اولیه و لوازم کار بر عهده سازنده است. سازنده بعد از پذیرفتن قرارداد، وظیفه تهیه مواد اولیه و اعمال تغییرات در آن مواد را برای ساخت شیء سفارش داده شده برعهده دارد.

برخی تأکید می کنند که برای تحقق استصناع لازم است، مواد اولیه از صانع باشد و الا اگر مواد اولیه متعلق به مستصنع بود، توافق مزبور نوعی اجاره می باشد.

یکی از بزرگان در این زمینه می فرمایند: « در این توافقنامه، هم مواد کالا و هم عملیات ساخت آن بر عهده‌ی سازنده است؛ و اگر مواد از شخص پیشنهاد دهنده باشد، در این صورت توافق مزبور، نوعی اجاره است. » (شاهرودی، سیدمحمود، مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۹-۲۰، ص ۳۴۵).

همچنین در موسوعه الفقه الاسلامی به تهیه مواد توسط صانع تصریح شده است؛ در تعریف استصناع می خوانیم که:

« استصناع در بین عرف و نزد عقلاء عبارت است از اینکه: سفارش دهنده با صنعتگر به توافق برسند تا صنعتگر به وسیله‌ی ماده‌ای که متعلق به اوست، کالایی را برای سفارش دهنده درست کند و سفارش دهنده نیز متعهد به پرداخت عوض آن می شود، و به موجب این قرارداد هم مواد کالا و هم



عملیات ساخت بر عهده صنعتگر می‌باشد، همانطور که پرداخت قیمت کالا بر عهده سفارش‌دهنده است. «(جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سیدمحمود هاشمی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (ع)، ج ۱۱، ص ۳۷۴).

بنابراین آنچه وجه ممیزه‌ی استصناع از اجاره است، تهیه مواد اولیه توسط صانع و مالک بودن اوست و الا اگر فردی مواد اولیه را در اختیار صانع قرار دهد تا شیء را برای او تهیه کند، گویا او را برای کار بر روی مواد اولیه و ساخت محصول موردنظر اجیر کرده است.

۳- تنوع در پرداخت ثمن  
فارغ از مشروعیت یا عدم مشروعیت، آنچه در استصناع متعارف است روش‌ها و مکانیزم‌های متفاوت برای پرداخت ثمن در این قرارداد می‌باشد.

یکی از محققین در این زمینه می‌نویسد:

«امروزه در تجارت داخلی و بین‌المللی راه‌های گوناگونی برای پرداخت بهای کالای سفارش شده براساس توافق طرفین وجود دارد. گاهی تمام بهای کالا از ابتدا به فروشنده تحویل می‌شود، گاهی قسمتی از بها در ابتدای قرارداد و بقیه هنگام تحویل کالا پرداخت می‌شود و گاهی به موازات پیشرفت کار، خریدار پول در اختیار سازنده قرار می‌دهد. به هر حال این روش‌های پرداخت تا آنجا که متعارف و عقلایی باشد از نظر اسلام، که عرف‌های عقلایی را مورد تأیید و امضاء قرار می‌دهد، صحیح و مشروع است.» (جعفرپور، جمشید، مجله متین، تابستان و پائیز ۱۳۷۸، شماره ۳ و ۴، ص ۱۸۴).  
نویسنده‌ی دیگری می‌گوید:

«مهمترین نکته در «بیع استصناع» قابلیت انعطاف آن در اشکال مختلف پرداخت ثمن (بهای مورد معامله) به شرح زیر است: ۱- فروشنده می‌تواند برای انجام تعهد یا تضمین قرارداد قسمتی از ثمن را از خریدار به عنوان ودیعه (بیعانه) اخذ نمایند. ۲- ثمن می‌تواند به صورت اقساطی تأدیه شود. ۳- ثمن می‌تواند به صورت نقدی تأدیه شود یا به صورت مؤجل باشد. ۴- ثمن می‌تواند کالای عینی یا به صورت استیفای از منافع مالی باشد.» (جزایری، مینا، مجله بانک و اقتصاد، آذر ۱۳۸۳، شماره ۵۲، ص ۳۱).

در بیشتر موارد استصناع، در هنگام انعقاد قرارداد پیش پرداخت به طرف مقابل اعطاء می‌شود و بخش دیگر به صورت دفعی یا تدریجی تا زمان تحویل کالا، پرداخت می‌گردد.

با توجه به ویژگیهای عقد استصناع که عبارت بودند از: الف: موجود نبودن کالا در زمان معامله و ب: عدم پرداخت کامل وجه در زمان معامله روشن می‌شود چرا برخی از علماء

مشروعیت استصناع را به چالش کشیده و در مقابل عده‌ای دیگر در مقام تصحیح این قرارداد راه‌حلی‌هایی ارائه داده‌اند تا بتوانند آن را در چارچوب عقود شرعی و قوانین کلی معاملات قرار دهند.

### ماهیت شناسی استصناع

برخی از فقهای شیعه قرارداد استصناع را نوعی عقد و برخی دیگر آن را از دایره عقود خارج می‌دانند. در بین فقهای که استصناع را عقد می‌دانند نیز رویکرد واحدی وجود ندارد؛ گروهی استصناع را در قالب «عقد مستقل» تصحیح می‌کنند و گروهی آن را به عنوان «مصدیقی از عقود متعارف» چون بیع و اجاره و یا «ترکیبی از چند عقد» می‌دانند. در نقطه مقابل در میان کسانی که آن را از دایره عقود متعارف خارج می‌دانند نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را در قالب «جعاله»، بعضی دیگر به صورت «امر به ساخت بر وجه ضمان» و گروهی نیز آن را به عنوان صرف «مواعده» تصحیح می‌کنند.

۱- تصحیح استصناع در قالب عقد  
الف: عقد بیع

در قرارداد استصناع، آنچه از نظر یک نظاره‌گر این معامله، رخ می‌دهد، بیع است، در واقع سفارش‌دهنده، کالایی را خریداری می‌کند و عرف این رابطه تجاری را نوعی بیع می‌داند و همگان معتقدند که تشخیص مصادیق بیع در هر زمان بر عهده عرف است و چنانچه عملی در نزد عرف به عنوان مصدیقی از بیع شناخته شد، اطلاق «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (سوره بقره: ۲، آیه ۲۵۷) شامل آن می‌شود. مخفی نیست که استصناع را زمانی می‌توان در قالب عقد بیع تصحیح کرد که میان طرفین (صانع و مستصنع) قرارداد تملیک قطعی در مقابل قیمت بسته شده باشد.

استصناع را اگر به عنوان عقد بیع قبول کنیم، برای تحقق آن چند حالت متصور می‌باشد:

#### ۱. بیع شخصی و معین

استصناع، بیع شیء موجود بالفعل باشد و بنابراین چیزی که انشاء شده است ملکیت شیء شخصی موجود بالفعل است.

اشکال: فرض این است که در قرارداد استصناع، صانع باید کالا را بسازد؛ بنابراین شیء و کالای مدنظر هنوز ساخته نشده است و کالا بالفعل موجود نیست؛ و اما مواد اصلی - مانند چوب نسبت به تخت - هر چند در زمان وقوع معامله بالفعل موجود می‌باشند، لکن غرض مستصنع ماده اصلی نیست بلکه غرض او، عین مصنوعه می‌باشد.

#### ۲. بیع کلی فی الذمه (بیع سلم یا سلف، بیع کلی و لازم الوفاء)

استصناع بیع شیء کلی فی الذمه باشد و بنابراین آنچه انشاء شده است، ملکیت شیء کلی فی الذمه است.

در حقیقت، مستصنع از صانع متاع کلی را در ضمن اوصاف معینی می‌خرد، از جمله آن اوصاف یکی آن که این کالا ساخت خود او باشد، نه ساخت دیگری؛ و از آن جا که بیعی که در آن مبیع، کلی باشد و تسلیم متاع در زمان متأخر صورت گیرد بیع سلف و سلم نامیده می‌شود لذا باید در صحت آن تمامی شروط بیع سلم رعایت گردد؛ و از جمله شرایط بیع سلم قبض ثمن در مجلس عقد می‌باشد.

اشکال: در حالی که غالباً در استصناع قبض تمام ثمن در مجلس عقد اتفاق نمی‌افتد.

### ۳. بیع شیء شخصی معدوم بالفعل

استصناع بیع شیء شخصی باشد که فعلاً معدوم است و آنچه به وسیله استصناع انشاء می‌شود، ملکیت چنین شیءی است. بدین صورت که مبیع، کلی در ذمه‌ی سازنده نیست، بلکه مبیع، مشخص است؛ یعنی مشتری کالایی را که سازنده می‌سازد و کالایی واقعی است و به صورت مواد اولیه یا به صورت کلی در معین وجود خارجی متعین دارد، (هرگاه کالا به تعداد بیشتری ساخته شده باشد، کالای مورد سفارش نیز در میان آنها به صورت کلی در معین وجود خارجی خواهد داشت.) می‌خرد؛ چون مشتری نسبت به کالا شناخت دارد و با توجه به التزام سازنده به ساختن آن، به تحقق آن اطمینان دارد، معامله‌ی او باطل نیست. وجه بطلان معامله، امری عقلی نیست، بلکه چیزی است مانند لزوم غرر که با شناخت کالا و اطمینان از ساخت آن بر طرف می‌شود.

در این صورت، استصناع از صورت بیع سلف خارج می‌شود چرا که سلف اختصاص به موردی دارد که مبیع، کلی در ذمه باشد. همچنین روایات بطلان بیع معدوم نیز شامل استصناع نمی‌شود؛ زیرا این روایات منصرف به مواردی است که مبیع در خارج شناخته شده نبوده و اطمینانی به تحقق آن در ظرف زمانی خودش نباشد که موجب رفع غرر و خطر گردد.

اشکال: این تحلیل - و نیز تحلیلی که بر اساس بیع سلم صورت گرفت - اگر درست باشد،

بر اساس آن، الزام سازنده به ساخت کالا وجهی ندارد مگر این که شرط ضمنی در این مورد وجود داشته باشد. (هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۵۵).

ب: عقد اجاره

برخی از فقها و حقوق دانان معاصر، استصناع را از جمله ی عقود اجارات می‌دانند. بر این اساس آنچه به وسیله استصناع انشاء می‌شود، ملکیت عمل صانع برای مستصنع است و محل معامله در این هنگام عمل صانع می‌باشد نه عین مصنوعه.

سفارش‌دهنده، سازنده را برای ساختن کالایی که بر آن توافق کرده‌اند، اجاره می‌کند. در این صورت، به تبع این که سفارش‌دهنده به سبب اجاره، مالک عمل سازنده می‌شود، کالای ساخته شده نیز ملک او خواهد بود.

بنابراین عمل سازنده در ضمانت سفارش‌دهنده می‌باشد چون با امر او صورت گرفته است و برای سازنده اجرت مثل عملش را ضمانت می‌کند که برابر است با قیمت آن کالای ساخته شده با تمام ویژگی‌هایش و همچنین اگر بعد از اتمام کار مشخص شود که عقد باطل بوده است سفارش‌دهنده، مسئول خسارتی است که بر سازنده وارد شده است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سیدمحمودهاشمی، موسوعه‌الفقه‌الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (ع)، ج ۱۱، ص ۳۸۴). اشکال: اولاً: لازمه اجاره دانستن استصناع آن است که تلف کالای ساخته شده، قبل از تحویل آن، از مال سفارش‌دهنده باشد نه سازنده، در حالی که این برخلاف ارتکاز عرفی در باب استصناع است. ثانیاً: مستصنع در عقد استصناع قصد دارد مالک کالای ساخته شده شود در حالی که اجاره سبب ملکیت منفعت یا عمل صانع است؛ بنابراین نقل کالای ساخته شده احتیاج به سبب ناقل دیگری غیر از اجاره دارد.

ج: ترکیبی از چند عقد

دو تصویر برای ترکیب وجود دارد:

۱. تصویر اول: سفارش‌دهنده سازنده را وکیل می‌کند که مواد اولیه کالا را برای او بخرد و آن را به گونه‌ای که وی می‌خواهد، بسازد. براین پایه، استصناع اولاً: مشتمل بر وکالت است؛ ثانیاً: مشتمل بر خرید ماده اولیه به وکالت از سوی سفارش‌دهنده است و ثالثاً: مشتمل بر اجاره سازنده است برای ساخت کالا بدان گونه که سفارش‌دهنده می‌خواهد با تعیین اجرتی که دو طرف بر آن توافق کرده‌اند؛ پس استصناع، ترکیبی است از سه عقد وکالت و بیع و اجاره. (هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۵۸).

اشکال: تحلیل مذکور علاوه بر آن که خلاف ارتکاز عرفی استصناع است - چرا که در استصناع این گونه نیست که حتماً سفارش‌دهنده، سازنده را برای خرید مواد اولیه کالا وکیل

کند - از لوازم این تحلیل آن است که **اولاً**: مواد اولیه خریداری شده، حتی قبل از ساخت کالا، ملک سفارش‌دهنده باشد و تلف و خسارت آن بر عهده او باشد؛ **ثانیاً**: اگر سفارش‌دهنده قبل از شروع ساخت کالا از قصد خود برگردد، ملزم است که مواد اولیه‌ای را که سازنده خریده بود، برای خود بردارد؛ زیرا این مواد برای او خریداری شده بود؛ **ثالثاً**: سازنده بدون اجازه سفارش‌دهنده، حق تصرف در آن مواد و تعویض آن‌ها را نداشته باشد. در حالی که الزاماتی از این قبیل، قطعاً تناسبی با عقد استصناع ندارد. (هاشمی شاهرودی، سید محمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۵۸).

**۲. تصویر دوم**: سفارش‌دهنده، صانع را برای ساخت کالا و به ملکیت وی درآوردن آن کالا به صورت مجانی و یا در قبال عوض معینی اجیر می‌کند. (که این تصویر ترکیبی است از اجاره بر ساخت کالا و تملیک و عقد بیع)

**اشکال**: **اولاً**: اجیر نمودن برای تملیک (اجار علی التملیک) صحیح نیست؛ زیرا عمل تملیک، مستقل از عین مملکه، مالیتی ندارد. **ثانیاً**: این تصویر بر خلاف ارتکاز عرفی در مورد استصناع است، مخصوصاً زمانی که بعد از ساخت کالا، احتیاج به بیع و ایجاب و قبولی دیگری بین آنها باشد. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت، ج ۱۱، ص ۳۸۸).

۲- تصحیح استصناع خارج از چارچوب عقد الف: جعله

برخی از بزرگان، قرارداد استصناع را تحت عنوان جعله قرار داده‌اند.

جعله عبارت است از متعهدشدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت معین در برابر انجام کار معین. شخص متعهد را «جاعل» و انجام‌دهنده کار را «عامل» می‌گویند. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۸۶).

البته جعله گاه «عام» است که در این قسم توجه اصلی به انجام کار است و انجام‌دهنده کار هر فردی باشد تفاوت نمی‌کند و گاه «خاص» که کارفرما با عامل معینی سروکار دارد. (نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۵، ص ۱۹۱).

بر طبق این نظر، مستصنع به عنوان جاعل، متعهد می‌گردد که در قبال ساخت کالا توسط صانع، اجرت معینی را به او پرداخت کند. (جاعل از عامل تهیه و تحویل آن شیء را در مقابل مبلغ معینی می‌خواهد).

**اشکال**: هر چند بین اجاره و جعله تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله:

۱- اجاره از عقود لازم ولی جعاله از ایقاعات جائز است.  
۲- کاری که در قرارداد اجاره فرد برای آن اجیر می‌شود بایستی کاملاً معلوم باشد، به خلاف جعاله که می‌تواند تا حدودی مجهول باشد.  
۳- در اجاره با انعقاد قرارداد مستأجر، مالک کار و اجیر، مالک اجرت می‌شود؛ در حالی که در جعاله، عامل بعد از انجام کار مالک اجرت می‌شود. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۵۸۷ - ۵۸۶). و عامل اگر چه شخص معین باشد می‌تواند مشغول عمل شود.  
لکن این تفاوتها نمی‌تواند ایرادات اجاره بودن استصناع که در فرض جعاله بودن نیز وارد می‌شود را برطرف کند.

ب: امر به ساخت بر وجه ضمان

از جمله مواردی که موجب ضمان می‌شود، امر به انجام کار یا امر به اتلاف مال بر وجه ضمان می‌باشد، و براین اساس گاه گفته می‌شود استصناع از این باب است؛ یعنی سازنده مأمور است تا برای سفارش‌دهنده کالایی را بسازد و سفارش‌دهنده نیز قیمتی که بر آن توافق کرده‌اند را ضمانت می‌کند. پس هنگامی که سازنده، کالا را برای سفارش‌دهنده ساخت، در قبال تملک کالای ساخته شده، سفارش‌دهنده ضامن آن قیمت است.

این تحلیل نیز با ارتکاز عرفی در باب استصناع سازگار است و بقای ملکیت سازنده، بر کالای ساخته شده را، تا تحویل سفارش‌دهنده نشده باشد، توجیه و تفسیر می‌کند. از این رو سازنده می‌تواند آن را به شخص دیگری غیر از سفارش‌دهنده بدهد. فقط در این صورت، سفارش‌دهنده دیگر ضامن آن نخواهد بود؛ زیرا تخلف از ناحیه سازنده صورت گرفته است.

همچنین این تحلیل، ضمان سفارش‌دهنده را نسبت به کالای ساخته شده بعد از ساخت و عرضه‌ی آن از ناحیه‌ی سازنده، تفسیر و توجیه می‌کند، به گونه‌ای که پس از ساخت و تحویل کالا، قیمت مورد توافق یا قیمت بازاری آن، مال سازنده خواهد شد، بدون آن که نیازی به خرید و فروش و معامله‌ی دیگری در این مورد باشد. (هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۵۹).

اشکال: لکن علی‌رغم این ویژگیها درستی این تحلیل متوقف بر قبول توسعه در باب «ضمان بالامر» است؛ درحالی که ضمان امر در باب اعمال بیش از ضمان تلف و هدرشدن عمل انجام یافته خارجی نیست و به هیچ وجه شامل ضمان اعیان موجود خارجی نمی‌شود.

این سخن بدان معنا است که در باب استصناع، ماده ساخته شده اگر به سبب دیگری مانند عقد بیع و امثال آن به سفارش‌دهنده تملیک نشده باشد، همچنان ملک سازنده باقی خواهد ماند و

مجرد امر به ساختن آن برای تملیک آن به سفارش‌دهنده کافی نیست. آری، می‌توان پذیرفت که هرگاه آمر کالای ساخته شده را نپذیرد، امر او به ساختن کالا، موجب ضمان زیان‌ها و خساراتی است که به سازنده وارد می‌آید، زیرا این کار در حکم امر به اتلاف مال سازنده است. (هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پائیز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۶۱).

ج: مواعده

اندک فقهاء متقدمی که به بحث استصناع اشاره کرده‌اند، غالباً استصناع را صرف وعده به ساخت کالا و عرضه برای فروش آن به مستصنع، و خرید از جانب وی می‌دانند. یکی از این فقهاء، محمدبن‌علی بن حمزه طوسی از فقهای قرن ششم هجری قمری می‌باشد. ابن حمزه در کتاب فقهی معروف خود «الوسیله» می‌نویسد: «کسی که سفارش ساخت چیزی را بدهد و صانع آن را بسازد، سازنده مخیر است که کالای ساخته شده را تسلیم مستصنع کند یا تحویل ندهد، همچنین مستصنع مخیر بین قبول و رد کالای ساخته شده می‌باشد.» (ابن حمزه، محمدبن‌علی، الوسیله الی نیل الفضیله، ص ۲۵۷).

یکی دیگر از این فقهاء، یحیی بن سعیدحلی از فقهای قرن هفتم هجری قمری می‌باشد. ابن سعید در «الجامع للشرائع» می‌گوید: «سفارش ساخت شیءی مانند کفش و ساخت آن توسط صانع لازم نیست و صانع می‌تواند آن را رد کند.» (حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، ص ۲۵۹). همان طور که ملاحظه نمودید، ابن حمزه و ابن سعید در مورد استصناع، تنها به دو عبارت مختصر اکتفا نموده‌اند. همین موضوع باعث شده که برداشت‌های متفاوتی نسبت به نظر این دو بزرگوار در مورد استصناع بوجود آید؛ از آن جمله اینکه، حکم این دو عالم به مخیر بودن سازنده در ساخت و تحویل کالا به سفارش‌دهنده، و مخیر بودن سفارش‌دهنده در قبول آن کالا، دلالت بر این می‌کند که استصناع تنها وعده‌ای است که از یک طرف صورت گرفته یا مواعده‌ای بین دو طرف است.

اشکال: اگر آنچه میان سفارش‌دهنده و سازنده واقع شده، صرف وعده خرید کالایی در صورت ساخت آن باشد، بدون شک این وعده نه عقد است و نه امری که وفای به آن واجب باشد. اما آنچه در ارتکاز عرفی و عقلایی وجود دارد، غیر از این است، و دست کم در پاره‌ای از موارد استصناع، التزام و عقد و مسئولیت طرفینی میان سفارش‌دهنده و سازنده دیده می‌شود، مبنی بر این که سازنده، کالا را برای سفارش‌دهنده بسازد و سفارش‌دهنده نیز آن را تحویل بگیرد و خرید آن را تضمین کند. این حالت در اکثر موارد استصناع به وضوح دیده می‌شود، خصوصاً با

توجه به گسترش امروزی این گونه معاملات و این که اگر سفارش دهنده ملتزم به گرفتن کالا نباشد، خطر و خسارت فراوانی متوجه سازنده خواهد بود. با در نظر گرفتن تولید انبوه کالای ساخته شده یا ساخت آن بر طبق ذوق و سلیقه‌ی خاص سفارش دهنده، اگر وی ملتزم به گرفتن آن نباشد، سازنده قطعاً زیان خواهد دید. (هاشمی شاهرودی، سید محمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۸؛ شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۴۷).

نظر مختار

با توجه به ایراداتی که در نظرات گذشته وجود داشت می‌توان قرارداد استصناع را به صورت عقد مستقل تصحیح نمود:

عقد مستقل

می‌توان برای مستقل بودن عقد استصناع دو تصویر بیان نموده‌اند:

۱. از عبارات برخی در توضیح مستقل بودن این قرارداد استفاده می‌شود که: استصناع عقد مستقلی است، یعنی مفهومی که در آن به وسیله این قرارداد ایجاد و انشاء می‌شود، متمایز از مفهومی است که توسط بیع و اجاره و دیگر عقود معهود انشاء می‌گردد. به موجب این عقد سازنده مسئول ساخت کالا و تحویل آن به سفارش دهنده است و سفارش دهنده نیز در قبال آن، مسئول پرداخت بهای مورد توافق به سازنده است.

۲. بر طبق نظر برخی دیگر از بزرگان، عقد استصناع عبارت است از توافق میان سازنده و سفارش دهنده بر این که سازنده آنچه را سفارش دهنده می‌خواهد، بسازد و به او عرضه دارد تا او هم در موعد مقرر آن را به قیمتی که پیشتر بر آن توافق کرده بودند یا بعدها بر آن توافق می‌کنند، از سازنده بخرد. بر این اساس، عقد بیع، بعد از این توافق یعنی بعد از آماده شدن مصنوع، بسته خواهد شد، اما عقدی که فعلاً واقع شده، عقد استصناع می‌باشد که عبارت است از توافق میان سازنده و سفارش دهنده بر التزام هر یک از آن دو در قبال دیگری به کاری که مطلوب دیگری است و نفع او در آن است. سازنده ملتزم به تهیه صنعت خویش و عرضه آن در وقت مقرر به سفارش دهنده برای خرید آن است و سفارش دهنده نیز بعد از آماده و عرضه شدن صنعت، ملتزم به خرید آن به قیمتی است که پیشتر یا هنگام خرید بر آن توافق کرده‌اند.

همین اندازه در صدق عنوان عقد، بر استصناع کفایت می‌کند و نیازی به شرط بیع یا تملیک نیست؛ زیرا عقد، چیزی جز التزام و تعهد در قبال التزام و تعهد دیگر نمی‌باشد و به سخنی دیگر، عقد یک التزام طرفینی متقابل به امری متفق علیه است. بنابراین، با تمسک به برخی از ادله صحت و نفوذ عقود، مثل آیه «یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود» (مائده: ۵، آیه ۱) و حدیث شریف



« المسلمون عند شروطهم و المؤمنون عند شروطهم » (نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، باب ۵ از ابواب خیار، حدیث ۷، ج ۱۳، ص ۳۰۱) و تمسک به سیره متشرعه می‌توان گفت: وفای به این عقد نیز لازم است. اثر لزوم این عقد نیز عبارت است از: وجوب ساخت بر سازنده و وجوب خرید بر سفارش‌دهنده، پس از اتمام ساخت. این وجوب، وجوب تکلیفی است. (هاشمی شاهرودی، سید محمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۸، شماره نوزدهم و بیستم، ص ۳۴۸).

و اگر یکی از این دو طرف به آنچه ملتزم شده و قرارداد بسته است عمل نکند، حکومت اسلامی وی را مجبور و ملزم می‌کند که به قراردادش عمل کند؛ همان‌گونه که در سایر قراردادها نیز چنین است.

( مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۲۲۰).

### نتیجه گیری:

قرارداد استصناع، به معنای قرارداد سفارش ساخت و تولید کالایی به قیمت معین که طبق ویژگی‌های مورد توافق، در زمان آینده ساخته و یا احداث می‌شود؛ عقد مستحدث و جدیدی نیست؛ بلکه از گذشته‌های دور این قرارداد در میان عرف بازار مطرح بوده و برخی از فقهای امامیه، نظیر شیخ طوسی در الخلاف و المبسوط و فقهای اهل تسنن نظیر شافعی در الام و سرخسی در المبسوط، متعرض قرارداد استصناع شده و درباره‌ی جواز آن مباحثی را طرح نموده‌اند. البته موضوعات مورد استصناع، در گذشته محدود و فقط شامل سفارش ساخت اشیایی نظیر چکمه، کفش، ظروف چوبی و رویی و آهنی و... بوده است، ولی امروزه با توسعه بازارهای تجاری و افزایش داد و ستد با ممالک دیگر، قراردادهای بسیار بزرگی نظیر احداث نیروگاه‌ها، ساخت پالایشگاه و کارخانه‌های بزرگ (و یا کوچک اما خاص) را نیز شامل می‌شود و به نظر می‌رسد بیان جنبه‌های مختلف موضوع راه را برای انجام چنین قراردادهایی از لحاظ شرعی هموار می‌سازد تا فعالان اقتصادی با توجه به ضوابط شرعی، قراردادهای خود را سامان ببخشند. در مورد این قرارداد، ماهیت و حکم فقهی آن در کتب اهل سنت (هر چهار مذهب اهل سنت) مباحث زیادی مطرح شده است اما در فقه شیعه به این مسأله کمتر پرداخته شده است.

نقطه تمایز استصناع با سایر عقود، ویژگی‌هایی است که در این قرارداد وجود دارد و در بدو نظر با روح کلی حاکم بر عقود و احکام کلی معاملات سنخیت ندارد و لذا شبهاتی را از لحاظ مشروعیت این قرارداد، ایجاد کرده و باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلفی در مورد ماهیت این قرارداد در نزد علمای اهل سنت و فقهای شیعه از دیرباز تاکنون شده است.

عمده دلیل کسانی که قرارداد استصناع را عقد مستقل می‌دانند، آیه شریفه «اوفوا بالعقود»، آیه تجارت (نساء: ۴، آیه ۲۹) (یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم) و احادیثی مانند (المؤمنون عند شروطهم، الناس مسلطون علی اموالهم) می‌باشد. با عنایت به آیه اوفوا بالعقود می‌توان استصناع را در قالب عقد مستقل تصحیح کرد زیرا عقلاء آن را عقد شمرده و چتر «اوفوا بالعقود» برسر این عقد نیز سایه می‌افکنند و البته تصحیح آن در قالب عقود دیگر یا سایر قراردادها عاری از اشکال نیست. استصناع، اگر عقد مستقلی شمرده شود؛ چارچوب‌هایی که عقلاء برای آن عقد در نظر می‌گیرند و بدان عمل می‌کنند، مادامی که با حکمی از احکام اسلام مخالفتی نداشته باشند، به طور کامل مورد پذیرش است.

**منابع و مأخذ ( کتاب ها ) :**

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین محمدبن مکرم، لسان‌العرب، چاپ سوم، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴ه.ق.
- ۳- خمینی (امام)، سیدروح الله موسوی، تحریرالوسیله، چاپ اول، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم - ایران، بی تا.
- ۴- شاهرودی، سیدمحمود هاشمی و جمعی از پژوهشگران، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البيت (ع)، چاپ اول، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بيت (ع)، قم - ایران، ۱۴۲۳ه.ق.
- ۵- حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، چاپ اول، مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، قم - ایران، ۱۴۰۵ه.ق.
- ۶- طوسی، محمدبن علی بن حمزه، الوسيله الی نیل الفضیله، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم - ایران، ۱۴۰۸ه.ق.
- ۷- طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن، الخلاف، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۰۷ه.ق.
- ۸- \_\_\_\_\_، المبسوط فی فقه الامامیه، مصحح: سید محمدتقی کشفی، چاپ سوم، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، ۱۳۸۷ه.ق.
- ۹- طوسی، محمدبن علی بن حمزه، الوسيله الی نیل الفضیله، چاپ اول، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم - ایران، ۱۴۰۸ه.ق.
- ۱۰- مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، چاپ اول، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم، ۱۴۱۵ه.ق.
- ۱۱- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ه.ق.

**منابع و مأخذ ( مقالات ) :**

- ۱- جعفرپور، جمشید، بیع استصناع، مجله متین، تابستان و پاییز ۱۳۷۸، شماره سه و چهار.
- ۲- جزایری، مینا، مجله بانک و اقتصاد، آذر ۱۳۸۳، شماره ۵۲.

۳- هاشمی شاهرودی، سید محمود، الاستصناع، مجله فقه اهل بیت، پاییز و زمستان ۱۳۷۸؛  
شماره نوزدهم و بیستم.

